

## بازتاب مفهوم قرآنی صبر در آثار عطار نیشابوری

ابراهیم هادی<sup>۱</sup>

دکتر عباس ماهیار<sup>۲</sup>

### چکیده

تصوف چیست؟ در صبر آرمیدن طمع از جمله‌ی عالم بریدن (الهی نامه/ب/۲۸۳۴)

به علت نقش مهمی که صبر در تکامل معنوی و اجتماعی بشر بر عهده دارد خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم درباره آن صحبت کرده و در اوضاع و احوال گوناگون فردی و اجتماعی بشر را به داشتن صبر فرا خوانده است.

به نظر متصوفه صبر در عرفان و تصوف که دریافتی عمیق و ژرف از احکام الهی قرآن است بسیار مهم شمرده می‌شود و در ادبیات عرفانی بازتاب وسیع و گسترده‌ای داشته است. وی در این منظومه‌ها اسرار سیر و سلوک را در قالب رمز و نماد و گاهی حکایات و تمثیل‌های متعدد بیان کرده است.

در بیش عطار صبر در سیر و سلوک نقش بنیادی و اساسی را بر عهده دارد و با شکوفا کردن نیروها و قدرت‌های الهی نهفته در روح موجب می‌شود که انسان از تنگنای هستی محدود خود رها شود و به هستی نامحدود و مطلق پیوند بخورد.

در این مقاله سعی نگارنده بر آن است که با استناد به آثار برجسته عطار از جمله دیوان اشعار، منطق الطیر، الهی نامه اسرارنامه، مصیبت نامه و مختارنامه اهمیت و نقش صبر را در سیر الی الله از دید این عارف بزرگ بیان کند.

**واژه های کلیدی:** صبر، طلب، عشق، فقر، تجلی.

۱ - دانش آموخته‌ی دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

۲ - استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

## مقدمه

صبر یکی از واژه‌هایی است که به طور مکرر در قرآن کریم به کار رفته و به علت نقش بسیار مهم و اساسی که در تکامل فردی و اجتماعی بشر به عهده دارد، خداوند در بیش از هفتاد آیه آن را مطرح کرده است.

معنی واژه صبر: راغب اصفهانی درباره مفهوم لغت صبر می‌گوید: «صبر به معنی در تنگنا ننگه داشتن است و وقتی گفته می‌شود صبرت الدآبه یعنی حبس کردم چهارپا را بدون علف یا بدون اینکه بتواند علف بخورد و صبرت فلانا یعنی زندانی کردم او را به طوری که راه خروجی نداشته باشد و صبر، ننگه داشتن نفس است بر آنچه عقل و شرع آن را اقتضا کند و یا بازداشتن نفس است از آنچه عقل و شرع بازداشتن از آن را اقتضا کند (المفردات فی غرایب القرآن /ص ۲۷۳).

خواجه نصیر الدین طوسی درباره لغات صبر می‌گوید: «صبر در لغت حبس نفس است از جزع به وقت وقوع مکروه و لابد آن منع باطن باشد از اضطراب و بازداشتن زبان از شکایت و نگاه داشتن اعضا از حرکات غیر معتاد» (الاوصاف الاشراف /ص ۴۱).

و امام محمد غزالی در کتاب معروف احیاء علوم الدین درباره صبر و اهمیت آن از لحاظ دین و عرفان بحث گسترده و مفصلی دارد. وی در تعریف صبر می‌گوید: «صبر عبارت است از پایداری و ثبات لشکری در مقابل لشکر دیگری که به علت تضاد بین خواسته‌ها و تمایلاتشان با یکدیگر به درگیری و جنگ پرداخته‌اند... پس باید این صفتی را که در پرتو آن انسان در سرکوبی شهوات و غلبه بر آنها از حیوانات متمایز می‌شود، انگیزه دینی و شهوت طلبی را انگیزه نفسانی نامید و باید دانست که بین این دو انگیزه جنگ و درگیری جریان دارد و صحنه این جنگ قلب انسان است. یاری دهندگان انگیزه‌ی دینی از ملائکه‌ای هستند که به حزب خدایاری می‌رسانند، در حالی که یاری دهندگان انگیزه نفسانی، از شیطان‌هایی هستند که دشمنان خداوند



خدای تعالی رنج نیکوکاران را ضایع نکند و مزد ایشان بدهد...» (رُوحِ الْجِنَانِ وَ رُوحِ الْجِنَانِ ج ۶، ص ۴۳۴).

۲- صبر در عبارت و واداشتن نفس به تحمل مشقت و سختی آن: خداوند در آیات متعددی پیامبر و مؤمنین را در برابر سختیهای عبادت به صبر دعوت می کند، از جمله در آیه ۶۷ سوره مریم می فرماید: رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا.

در تفسیر کشف الاسرار میبیدی، در تفسیر این آیه چنین آمده است: «صبر کن بر عبادتش دلیل است بر آنکه عبادت سخت و خسته کننده است و ملال آور و مؤمن بر صبر بر آن امر شده است، زیرا صبر مقرون به سختی و ناخوشایند است» (کشف الاسرار/ج ۶، ص ۷۶).

۳- صبر در برابر مصائب و رویدادهای سخت: خداوند در بعضی آیات قرآن مسلمانان را در برابر حوادث و رویدادهای سخت همانند مرگ عزیزان، از دست رفتن اموال و دارایی، و پیش آمدن حوادثی که قلبها را از خوف لبریز می کند و گرسنگی و فقر را به همراه می آورد و به صبر و پایداری فرا می خواند (از جمله در آیه ۱۵۱ سوره بقره می فرماید: وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ.

به طور کلی از دیدگاه قرآن صبر عامل هر نوع تکاملی است که در زندگی فردی یا اجتماعی بشر به وجود می آید و به همین دلیل خداوند می فرماید: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال/ بخشی از آیه ۴۹).

به علت نقش مهمی که صبر در رشد و تعالی انسان بر عهده دارد پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام درباره آن فراوان سخن گفته اند و صبر را یکی از ارکان مهم ایمان و گاهی برابر با کل ایمان دانسته اند، از جمله اینکه پیامبر می فرماید: «الایمان







در بینش عطار راز و رمز رسیدن به نهایت کمال، سکوت و صبر است.

گر سرّ کار می طلبی صبر کن خموش تا صبر و خاموشیت رساند به منتها

(دیوان اشعار/ص ۷۰۲)

عطار معتقد است فروتنی، سکوت و همیشه به خداوند اندیشیدن و صبر و ثبات بر آنها موجب می شود که انسان به حق پیوندد و دایما با او مصاحب و همراه باشد.

چنان خواهم که همچون خاک گردی	مگر در زیر پای پاک گردی
چو خاک راه خواهی شد از این پس	چو خاک راه شو در پای هر کس
فروتن شو خموشی گیر پیشه	بدین هر دو صبوری کن همیشه
تو را می صبر باید کرد حاصل	که گفت الصبر مفتاح قلایل
صبوری کن ز حق اندیش پیوست	که با حق باشی و با خویش پیوست
گرت باید به هر دم تازه جانی	فرو مگذار یاد او زمانی

(اسرار نامه/ب ۳۱۷۵-۳۱۷۰)

### صبر و مقام طلب

در منظومه منطق الطیر عطار در قالب داستان نمادین پرندگانی که به جست و جوی پادشاه خود سیمرغ می روند رمز و راز سیر به سوی خدا و رسیدن به حقیقت مطلق جهان را بیان می کند. عطار در این داستان در نماد و رمز هدهد ظاهر می شود و با سالکان طریقت همراهی می کند تا راز گذشتن از هفت وادی را به آنان تعلیم بدهد. او در اولین وادی یعنی وادی طلب که در بینش عطار اولین مقام عرفانی است از این راز پنهان برده بر می دارد و آن را افشا می کند. عطار می گوید: در طلب باید درد در تو باشد و هم انتشار و اگر این دو نتواند تو را به مقصود برساند در این هر دو صبر کن تا صبر تو را به جایی برساند. پس در بینش عطار صبر راز موفقیت در طلب و رسیدن





داد: ای بوسعید اگر از زمین تا عرش را به جای یک بار صد بار پر ارزن کنند و پرنده‌ای هر هزار سال یک دانه برچیند تا تمام شود با گذشت این همه سال اگر جان از درگاه حق بویی نبرده باشد. آن هنوز زود باشد عطار در پایان داستان می گوید: طلب کننده حق باید صابر باشد، آن هنوز زود باشد عطار در پایان داستان می گوید: طلب کننده حق باید صابر باشد، اما هر کسی توان صبر کردن را ندارد چون صبر در این راه بسیار سخت و طاقت فرساست.

طالبان را صبر می باید بسی	طالب صابر نه افتد هر کسی
تا طلب در اندرون ناید پدید	مشک در نافه ز خون ناید پدید

(همان/ب ۳۳۱۲-۳۳۱۱)

عطار در تمامی منظومه منطق الطیر در حقیقت رمز و راز صبر و ثبات در سیر الی الله را بیان می کند. او در این داستان می گوید: پرندگان زیادی (رمز و نماد سالکان و طالبان حق) برای جست و جوی سیمرغ (حق) قدم در راه طلب نهادند و تعداد آنان آن قدر زیاد بود که مانع تابش نور خورشید به زمین می شد، اما آنهایی که در برابر رنجها و سختیهای مبارزه با نفس و تعلقات نفسانی نتوانستند صبر و مقاومت کنند به تدریج از راه بازماندند و فقط سگی پرنده مجروح و پرکنده که بر انواع رنجها و سختیها صبر کرده بودند توانستند خود را از مهلکه هوهای نفسانی و تعلقات دنیایی رهایی دهند و با گذشتن از هفت وادی (رمز هفت مقام عرفانی) به آستان سیمرغ (حق) برسند.

چون شما سی مرغ حیران مانده اید	بی دل و بی صبر و بی جان مانده اید
ما به سیمرغی بسی اولی تریم	زانک سیمرغ حقیقی گوهریم
محو ما گردید در صد عز و ناز	تا به ما در خویش را یابید باز
محو او گشتند آخر بر دوام	سایه در خورشید گم شد والسلام

(منطق الطیر، ب ۴۲۵۹-۴۲۵۶)



تمامی آثار خود درباره فقر و نقش آن در متجلی کردن صفات و قدرتهای الهی در روح و پیوند دادن انسان با مبدأ جهان هستی صحبت کرده است، قسمت‌های اعظمی از منظومه های الهی نامه، اسرارنامه، و مصیبت نامه در نکوهش دنیا و ستودن فقر است. وی نظریات عرفانی خود را درباره فقر و صبر بر آن در قالب حکایات، داستانه‌ها و روایات و تمثیل های فراوانی تجسم بخشیده است.

در بینش عطار فقر به معنی از گمراهی راهی به سوی حق یافتن و گذشتن از نعمت‌ها و تمتعات دنیوی و اخروی است.

فقر چیست؟ از گمراهی ره کردن است وز دو عالم دست کوتاه کردن است  
(مصیبت نامه/ص ۴۵)

عطار معتقد است فقر در سیر الی الله و واصل شدن به معبود رکنی مهم و اساسی به شمار می آید.

فقر دارد اصل محکم هر چه دیگر هیچ نیست گر قدم در فقر چون مردان کنی محکم رواست  
(دیوان اشعار/ص ۲۴)

در بینش او صبر در فقر آن قدر با اهمیت و مهم تلقی می شود که در معنی تصوف می گوید:

تصوف چیست؟ در صبر آزمیدن طمع از جمله عالم بریدن  
(الهی نامه/ب ۲۸۳۴)

بنابراین تصوف عطار بر فقر و صبر بر آن پایه ریزی شده است. چنانکه قبلاً گفته شد وی درباره فقر و نقش آن در سیر الی الله روایات و حکایات زیادی نقل کرده است. بینش عطار درباره فقر و استفاده نکردن از نعمت های دنیوی و لذایذ مادی و نقش آن در سیر و سلوک و قرب الی الله در حکایت رابعه تبلور بیشتری یافته است. عطار در الهی هنامه می گوید: رابعه صاحب مقامات یک هفته دایما به نماز و روزه

مشغول بود و هیچ طعام نخورده بود گرسنگی اعضایش را در هم فشرده و خرد کرده بود. زنی مستوره برایش کاسه ای غذا آورد. از قضا رابعه به طلب چراغ رفت و گربه کاسه طعام را به زمین ریخت. خواست با آب افطار کند چراغ خاموش شد و در تاریکی کوزه آب از دستش به زمین افتاد و شکست. رابعه با حالت سرگشتگی و پریشان حالی بسیار گفت خداوندا از من چه می خواهی؟ خداوند به او گفت ای رابعه اگر تو بخواهی از ماه تا ماهی را به تو می بخشم، اما اندوه عشق چندین ساله را از دلت بیرون می کنم.

<p>ز دل آهی برآورد آن جگرسوز          که گفתי گشت عالم آتش افروز          از این بیچاره مسکین چه خواهی          به خون در چند گردانی مرا تو          به تو بخشیم از مه تا به ماهی          ز دل بیرون بریمت این بیندیش          نیاید راست در یک دل به صد سال          مدامت ترک دنیا باد پیشه          که اندوه الهی رایگان نیست</p>	<p>ز دل آهی برآورد آن جگرسوز          به صد سرگشتگی می گفت الهی          فکندی در پریشانی مرا تو          خطاب آمد که گر این لحظه خواهی          ولی اندوه چندین ساله خویش          که اندوه من و دنیای محتال          گرت اندوه ما باید همیشه          تو را تا هست این یک روی آن نیست</p>
---	---

(الهی نامه/ب ۳۱۳۶-۳۱۲۹)

عطار از این داستانتان نتیجه گیری می کند و می گوید: کسانی که در مقابل تمایل نفس خود به دنیا صبر و استقامت می کنند، خداوند آتش عشق و محبت خود را در قلب آنان شعله ور می کند تا از تنگنای جهان مادی و وجود نفسانی رها شوند و به سوی آسمان بیکرانه عالم الهی عروج کنند.

### صبر و مقام عشق

در بینش عطار عشق یعنی سوز و گداز، یعنی اشک و آه یعنی درد و رنج، فراق و هجران کشیدن و صبر کردن بر آن. عطار معتقد است اشک ریختن در هجران و فراق معشوق و صبر بر آن موجب تعالی و کمال عشق می شود و همانند ابری به گل عشق طراوت و زیبایی می بخشد و بستان دل عاشق را سرسبز و شکوفا می کند.

علاج عشق اشک و صبر باید	گل ار چه تازه باشد ابر باید
خوشی عاشقان از اشک و صبر است	همه سرسبزی بستان ز ابر است
اگر عاشق نماندی در جدایی	نبودی عشق را هرگز روایی
اگر معشوق آسان دست دادی	کجا این لذت پیوست دادی
اگر در عشق نبود انتظاری	نماند رونق معشوق باری
دمی در انتظار همدم دل	بسی خوش تر بود از ملک حاصل

(اسرار نامه/ب ۵۹۶-۵۹۱)

عطار در منطق الطیر در قالب داستانهای متعدد و گوناگون از جمله داستان ایاز و محمود و مرد مفلس و گدایی که عاشق ایاز شده بود نظریات و اندیشه های خود را درباره عشق بیان می کند. در این داستان سلطان محمود از مرد مفلس می پرسد، چگونه ادعای هم پیالگی با مرا داری؟ مرد مفلس می گوید: ساز و برگ وصال داشتن و لذت وصال معشوق را چشیدن شرط عشق نیست، بلکه افلاس و تهیدستی نشانه عشق است همانند گوی به دنبال معشوق دویدن و سرگردان بودن نمک عشق است و به آن شور و حال می بخشد. عطار در این داستان از زبان مرد مفلس می گوید: مرد عشق کسی است که در هجران باشد و بتواند بر درد و رنج هجران و فراق معشوق صبر و پایداری کند.

رند گفتش گر گدا گویی ام      عشقبازی را ز تو کمتر نی ام

عشق و افلاس است در همسایگی      هست این سرمایه سرمایه  
عشق از افلاس می گیرد نمک      عشق مفلس را سزد بی هیچ شک  
تو جهان داری دلی افروخته      عشق را باید چو من دلسوخته  
ساز وصل است این چه توداری و بس      صبر کن در درد هجران یک نفس  
وصل را چندین چه سازی کار و بار      هجر را گر مرد عشقی پای دار

(منطق الطیر/ب ۳۴۰۲-۳۳۹۷)

چنانکه قبلا گفته شد مسلک عرفانی عطار عاشقانه است. او در همه آثار خود به خصوص در دیوان اشعار درباره عشق و نقش آن در سیر و سلوک سخن گفته است. در منطق الطیر عشق بعد از طلب و دومین مقام عرفانی است، در بینش عطار صبر در عشق و استقامت در برابر رنجها و سختیهای آن موجب می شود که عارف به علم یقین برسد.

در این مقام حجاب های مادی و نفسانی از مقابل چشم روح عارف کنار زده می شود و از طریق مکاشفه روحانی از عالم غیب و رمز و رازهای نهفته و پنهان آفرینش آگاهی یابد.

بی تو نفسی به هر دو عالم      زنده بنمانم ار بمانم  
تا عشق تو در نوشت لوحم      مانند قلم به سر دوام  
عطار به صبر تن فرو ده      تا علم یقین شود عیانم

(دیوان اشعار/ص ۴۵۷)

ابوالفضل رشید الدین میبدی در تقسیم بندی و معین کردن انواع صبر در تفسیر آیه ۱۴۹ سوره بقره که خداوند می فرماید: یا ایها الذین امنوا و استعینوا بالصبر و الصلوٰه ان الله مع الصابرين می گوید: صبر بر بلا صبر عاشقان است. محبان و عاشقان بر بالای معشوق صبر می کنند و این صبر موجب می شود به علم فراست برسند. «و بر ذوق

















## نتیجه

در بینش عطار، تواضع، با تمام قوای درونی و باطنی به حق اندیشیدین، سکوت کردن و صبر در مقابل تمایل نفس به سخن گفتن موجب می شود که عارف از هستی محدود خود رها شود و به هستی مطلق حق پیوندد.

در بینش عطار صبر در سیر الی الله نقش اساسی و بنیادی را بر عهده دارد، زیرا استقامت و صبر در مقابل رنجها و سختیهای مبارزه و جهاد با نفس رمز و راز موفقیت در طلب و رسیدن به مطلوب است.

پایه و اساس تصوف عطار بر فقر و صبر بر آن قرار دارد. در بینش عطار فقر یعنی جهاد و جنگ با نفس و گذشتن از هستی برای رسیدن به قرب الی الله است. عطار معتقد است صبر در فقر موجب می شود هستی عارف در هستی نامحدود حق محو و فانی شود و ذات و صفات حق از جمله استغنا و بی نیازی او در وجودش تجلی کند. در بینش عطار صبر در مقابل رنجها و سختیهای عشق موجب می شود حجاب بهای مادی و نفسانی از مقابل چشم روح عارف کنار زده شد و او از طریق مکاشفه روحانی از عالم غیب و رمز و رازهای نهفته و پنهان آفرینش آگاهی یابد.

به طور کلی می توان گفت که در بینش عطار صبر رمز و راز گذشتن از ظلمات نفس و تیرگی عالم خاک و رسیدن به سرچشمه نور و بقا و جاودانگی است.

در بینش عطار صبر یعنی فرو شکستن محدودیت ها و تنگناها و پیوستن به اطلاق و بی نهایت شدن است.

در بینش عطار صبر یعنی عبور از کمی ها و کاستی ها و نیل به قله بی نیازی مطلق و کمال بی انتهاست.

### پی نوشت

۱- مراد امام محمد غزالی از این صفت، توانمندی انسان برای غلبه بر شهوات و خواسته‌های نفسانی است.

۲- این نوع تقسیم بندی بر اساس حدیثی است که از قول رسول اکرم (ص) در اصول کافی نقل شده است. در اصول کافی آمده است: قال رسول الله صلى الله عليه و اله الصبر ثلاثة: صبر عند المصيبة و صبر على الطاعة و صبر عن المعصية، اصول کافی، ج ۲، ص ۹۱. همچنین مراجعه شود به احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۰۶ و تفسیر روح الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۱۶۸. ۳- مسکنت اشاره است به حدیث: اللهم احیني مسکینا و امتنی مسکینا و احشرنی فی زمره المساکین.

عین القضاء نیز همانند عطار با استناد به این حدیث، مسکنت را مقام بقای بعد از فنای می داند. رجوع شود به تمهیدات، ص ۲۱.

۴- در ترجمه رساله قشیریه در مورد یقین آمده است. «بعضی گویند از پیران، یقین علمی بود از حق سبحانه و تعالی که در دل پیدا شود و سهل گوید: ابتدا یقین مکاشفه بود و از بهر این گفته اند بزرگان لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا و پس از آن معایت و مشاهدت، ابو عبد الله خفیف گوید: یقین بینا شدن سر بود به احکام غیبت» ترجمه رساله قشیریه، ص ۲۷۲.



## منابع

- ۱- قرآن مجید، با تصحیح هفت نفر از علمای حوزه علمیه قم، انتشارات محمد علی علمی، افسس، تهران، ۱۳۳۷.
- ۲- ابن الکر بلائی. روضات الجنان و جنات الجنان، به تصحیح جعفر سلطان القرائی، ج ۲، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۹.
- ۳- حرّانی، ابو محمد حسن بن علی. تحف العقول عن آل الرسول، به تصحیح علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۷۶.
- ۴- رازی، جمال الدین شیخ ابو الفتوح، روح الجنان و روح الجنان، جلد ۱ و ۲ و ۶ و ۸، به تصحیح و حواشی حاج میرزا ابو الحسن شعرانی، به تصحیح علی اکبر غفاری، از انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۸۲.
- ۵- راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن، ناشر مرتضوی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۲.
- ۶- سراج، ابو نصر. اللمع فی التصوف، به تصحیح رینولد، الن، نیکلسون، لیدن، ۱۹۱۴ م.
- ۷- شریف رضی، گردآوری نهج البلاغه، به تصحیح دکتر صبحی الصالح، چاپ اول، بیروت، ۱۳۸۷ هـ - ۱۹۶۷ م.
- ۸- شفیعی کدکنی، محمد رضا. گزیده غزلیات شمس، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۶۵.
- ۹- طوسی، نصیر الدین. اوصاف الاشراف، انتشارات هدی، تهران، ۱۳۶۱.
- ۱۰- عثمانی، ابو علی حسن بن احمد. ترجمه رساله قشیریه، به تصحیح فروزانفر، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱.
- ۱۱- عطّار نیشابوری، فرید الدین. اسرارنامه، با تصحیح و تعلیقات و حواشی، دکتر سید صادق گوهرین، انتشارات صفی علیشاه، تهران، ۱۳۳۸.



- ۲۳- مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، جلد ۳، به تصحیح رینولد. انیکلسون، به اهتمام دکتر نصر الله پور جوادی، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- ۲۴- میبیدی، ابوالفضل رشید الدین. کشف الاسرار و عدّه‌الابرار، جلد ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۶، ۹ به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- ۲۵- نجم الدین کبری. الی الهام الخائف من لومه اللائم، به تصحیح و توضیح دکتر توفیق سبحانی، انتشارات کیهان، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴.
- ۲۶- هجویری، ابو الحسن علی بن عثمان. کشف المحجوب، به تصحیح و ژوکوفسکی، با مقدمه قاسم انصاری، انتشارات طهوری، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۱.

